



در سکانسی از سریال وقتی امام رضا (ع) برای خواندن نماز به سمت مسجد می رود من قرار بود ایشان را ترور کنم. این سکانس باعث شد زمان پخش فیلم، بسیاری از مردم درباره این بخش از من سؤال کنند در صورتی که من به عنوان بازیگر موظف هستم هر نقشی را بازی کنم

نگاهی به مجموعه ای که بیش از دو دهه از عمرش می گذرد اما هنوز هم مردم را پای تلویزیون می نشاند

رضا (ع) جان؛ قلب مردم ایران

مردم پای تماشای آن می نشینند. اساساً هر چه به امام رضا (ع) و نامش مربوط باشد، می تواند بسیاری را به خود جلب کند و وقتی هم کار با کیفیت باشد، نتیجه می شود همین که ولایت عشق در بازپخش هم موفق و درخشان باشد. این روزها هم که در آستانه تولد امام مهربانی ها دوباره این سریال پخش می شود و باز هم مردم با عشق به داستان ولایت دل و جان می سپارند.

عمر هر چیزی را کیفیتش تعیین می کند و این واقعیت قابل انکار نیست. بسیار سریال ها و فیلم ها در جهان ساخته می شوند که بعد از یک بار دیدن شان کسی حوصله تکرارش را ندارد. بعضی کارها هم انگار گنجد، هر چه از عمرشان بیشتر می گذرد، آدم ها بیشتر تماشاایشان می کنند. یکی از این گنج ها «ولایت عشق» است؛ سریالی که سال ۱۳۷۹ به کارگردانی مهدی فخیم زاده تهیه و پخش شد و هنوز هم

«ولایت عشق» در یک نگاه

سریال در ۳۰ قسمت تولید شد که ساخت آن دو سال و نیم به طول انجامید و در سال ۷۹ روی آنتن رفت. ۱۲ قسمت ابتدایی این مجموعه، درباره مرگ هارون، جنگ دو برادر و خلافت مأمون، ۱۵ قسمت میانی سریال درباره چگونگی تحمیل ولایتعهدی مأمون به امام رضا (ع) و سه قسمت پایانی درباره حرکت مأمون به سوی بغداد و شهادت امام رضا (ع) است.

ولایت عشق نخستین اثر نمایشی است که از بازیگر به جای شخصیت امام استفاده شد، البته چهره بازیگر با نور پوشانده شده بود. سریال «ولایت عشق» در محلی فیلمبرداری شده است که پیش از آن برای تهیه سریال امام علی (ع) در سال ۱۳۷۱ ش ساخته شده بود؛ زمینی به مساحت ۶۲ هزار متر مربع و با معماری عربی دوران بعد از اسلام. مجموعه های تلویزیونی مانند تنهاترین سردار، طفلان مسلم و آخرین دعوت نیز در همین محل فیلمبرداری شده است.

موضوع سریال از زمانی که امام تصمیم می گیرند از مرو هجرت کنند به تصویر کشیده می شود و تا زمان شهادت ایشان ادامه دارد. در این سریال بازیگرانی چون محمد صادقی، اکبر زنجانیپور، دانیال حکیمی، بیژن امکانیان، فریمه فرجانی، بیتا فرهی، رامبد جوان، داوود رشیدی، مریدا زارعی، فتحعلی اویسی، سیروس گرجستانی، عنایت بخشی، حبیب دهقان نسب و... به ایفای نقش پرداخته اند. تا پیش از این در تمامی آثاری که به نوعی درباره زندگی امامان و پیامبران تولید شده بود، از چهره یا حضور بازیگر به جای آنها خودداری شده بود اما

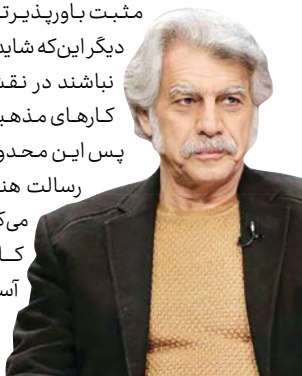
چرا می خواستی امام را ترور کنی؟!

من در این سریال یکی از نقش های چهارگانه را دارم که در ابتدا موافق با امام رضا (ع) است و بعد از پیمان با معمول مخالف امام می شود و حتی اقدام به ترور او می کند.

حبیب دهقان نسب بازیگر نقش داود

در سکانسی از این سریال وقتی امام رضا (ع) برای خواندن نماز به سمت مسجد می رود من قرار بود ایشان را ترور کنم. این سکانس باعث شد زمان پخش فیلم، بسیاری از مردم درباره این بخش از من سؤال کنند، در صورتی که من به عنوان بازیگر موظف هستم هر نقشی را بازی کنم. این مساله هیچ ربطی به میزان ارادت من به ائمه ندارد و البته درک می کنم مردم به واسطه عشقی که به امامان معصوم (ع) دارند تا حدودی تحت تأثیر قرار می گیرند اما این که دنیای واقعیت را بخواهیم با فیلم یکی بدانیم کمی دور از ذهن است.

گاهی مواقع بازی کردن در نقش های منفی در سریال هایی که موضوع آن ائمه (ع) هستند دشوارتر از نقش های مثبت است، چون تو باید به اندازه ای در کارت خوب و باورپذیر باشی که نقش مثبت باورپذیرتر باشد. نکته دیگر این که شاید عده ای حاضر نباشند در نقش های منفی کارهای مذهبی بازی کنند، پس این محدودیت به نوعی رسالت هنرمند را بیشتر می کند تا کیفیت کار دستخوش آسیب نشود.



انسان و خطرات قدرت

در سریال «ولایت عشق» نقش مأمون عباسی را بازی کردم و این نقش را خیلی دوست داشتم. به نظر من شباهت های زیادی به مکبث شکسپیر داشت، چون من خیلی از آن نمایش خوشم می آمد و دلم می خواست در تئاتر در ایران آن را بازی کنم. در این سریال این میسر شد و من هم بازی کردم و بسیار کاراکتر جالبی برای پرداختن و بازی کردن بود. چنین نقش هایی که درازمدت است، نیاز به انرژی و سن و سال مناسبی دارد و سال ها زمان می برد و کار زیادی دارد و باید این آمادگی را بازیگر داشته باشد. شاید در همه دوران زندگی، این کار سنگین میسر نباشد.

محمد صادقی بازیگر نقش مأمون

نقش من منفی بود اما پیام منفی ای از مخاطبان نگرفتم، به نظر می رسد محاسبه درستی داشتیم و آنچه باید، منتقل شد و سریال شعاری نبود و اثری نبود که خطی بین نقش منفی و مثبت کشیده شود. واقعاً شرایط انسانی را عنوان می کرد و خطراتی که بر سر راه هر انسانی شاید به دلیل موقعیت و قدرت ایجاد می شد و این قابل باور بود. عموماً تماشاگر عام و خاص این را می دیدند و با آن ارتباط برقرار می کردند. خیلی روی آن نقش کار کردم و گاهی فکر می کردم این از وسواس و کار زیاد بیپهوده باشد ولی این طور نبود و تماشاگر با کاری که روی آن زحمت کشیده شده است، ارتباط برقرار می کند.



چیزی نبود جز معجزه

آن روز باید با اسب به طرف جمعیت می رفتم؛ موقعیت حساسی بود و نور نباید می رفت؛ از طرفی در چنین کاری که ۲۰۰ نفر سرازیر می شوند باید در یک برداشت، فیلمبرداری می شد، آن هم کارگردانی مثل فخیم زاده که از این نوع صحنه ها نمی گذرد. با اسب به سمت تپه رفتم. اسب که جمعیت را دید ناگهان مرا به جای دیگری برد اما برای فخیم زاده این اتفاق قابل قبول نبود. من هم به او گفتم: تقصیر من نبوده و اسب از جمعیت ترسیده و این کار را کرده است. یک باره وسط بیابان به من گفت لباس را تن مأمور سوارکارها بکن! برای بازیگری مثل من که به ظرافت های هنری اهمیت می دهم، سخت بود لباسم را تن شخص دیگری کنم و این پلان را از دست بدهم. اما لباس را به نمازی مأمور سوارکارها واگذار کردم و پتو روی دوشم انداختم. از عنایاتی که حضرت به من داشتند در این پلان به منصفه ظهور رسید؛ جایی که نمازی مأمور سوارکارها به سمت تپه رفت اما اسب هنوز با جمعیت مواجه نشده بود، راهش را کج کرد و نمازی هم موفق نشد. اینجا به فخیم زاده گفتم، دیدید این اتفاق دوباره تکرار شد. او به من گفت، لباس را دوباره بپوش و این بار در آستانه نزدیک شدن به جمعیت، اسب را نگه دار و بقیه راه را پیاده برو. سعی کردم اسب را نگه دارم و پیاده به سمت تپه رفتم. در راه با خودم فکر می کردم کاری انجام بدهم، از جایی که جمعیت نزدیک تر شد دستانم را باز کردم و از پشت دیدم اسب همراه من می آید. بعد از این که پلان به پایان رسید، دیدم تمام گروه دارند گریه می کنند. برخی اوقات چنین اتفاقاتی می افتد که فکر نمی کنم جز عنایت و معجزه چیز دیگری باشد.

فرخ نعمتی بازیگر نقش امام رضا (ع)

